

بیت یا سوگچکامه‌های حماسی بویراحمدی

اصغر شهبازی^۱

(دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۳۰)

چکیده

بیت‌ها یا سوگچکامه‌های حماسی بویراحمدی، گونه‌ای از ادب منظوم عامه‌اند که عمدتاً سرایندگانی ناشناس، پس از کشته شدن یکی از قهرمانان یا بزرگان بویراحمدی در مبارزه با مخالفان، آنها را سروده‌اند و بعدها به‌وسیله مردم و خوانندگان اشعار لری خوانده و تکرار شده‌اند. این اشعار را می‌توان جزو اشعار حماسی عامه قرار داد. از آنجا که این اشعار در میان مردم بویراحمد دارای جایگاه رفیع و بازتاب‌دهنده بخشنی از حوادث تاریخی - اجتماعی بویراحمد هستند، در این مقاله، این اشعار با هدف ریخت‌شناسی و بررسی ابعاد ادبی، موسیقایی، محتوایی و اجتماعی، با روش تحلیل محتوا (رویکرد توصیفی - تحلیلی) بررسی شده‌اند و به‌طور خلاصه مشخص شده که سوگچکامه‌های بویراحمدی طرحی ساده، روایی و بدون مقدمه‌چینی، اوج و فرود دارند. توصیف شخصیت‌ها و صحنه‌های نبرد در آن‌ها قوی است. راوی دانای کل است و روایت از نوع واقعی و مستند. از نظر زبانی و ادبی نیز بیت‌های بویراحمدی، زبانی ساده و روان دارند و در آن‌ها از صنایع ادبی پیچیده و انتزاعی خبری نیست. از منظر موسیقایی، وزن در آن‌ها هجایی است و کمبود وزن را با کشدار کردن کلمات حفظ می‌کنند. از نگاه محتوایی نیز مضمون و محتوای اصلی این اشعار، دلیری‌ها و شجاعت‌های قهرمانان و بزرگان بویراحمدی در مبارزه با مخالفان خود است. از نظر اجتماعی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول).

* asgharshahbazi88@gmail.com

هم این اشعار، امروزه یکی از عوامل وحدت و هم‌گرانی طایف بویراحمدی بهشمار می‌آیند. این مقاله می‌تواند نمونه‌ای برای بررسی این نوع شعر عامه در سایر مناطق کشور قلمداد شود.

واژه‌های کلیدی: شعر عامه، بیت (سوگچکامه)، بویراحمد، شکل، محتوا.

۱. مقدمه

بیت‌ها یا سوگچکامه‌های حماسی، گونه‌ای از اشعار عامه‌اند که بیشتر سراینده مشخصی ندارند. به زبان و گویش‌های محلی سروده شده‌اند و انگیزه سرایش آن‌ها، دلیری‌ها و شجاعت‌های یک یا چند تن از دلیرمردان و بزرگان اقوام ایرانی است که در راه وطن، آزادی و آرمان‌های قومی و مذهبی جنگیده و درنهایت، کشته شده‌اند. این نوع اشعار، در تقسیم‌بندی انواع ادبی عامه، ذیل اشعار حماسی عامه قرار می‌گیرند؛ اما از آن رو که در این اشعار، جنبه‌های غنایی، یعنی مویه‌ها و ناله‌های سرایندگان در سوگ هم‌تباران قوی است، برخی آن‌ها را ذیل اشعار سوگ قرار می‌دهند که در این باره بهتر است آن‌ها را سوگچکامه‌های حماسی بنامیم تا با این عنوان هم بار غنایی و هم بار حماسی آن‌ها را نشان دهیم.

این اشعار در میان طوایف گوناگون قوم لر دیده می‌شوند. بختیاری‌ها به این اشعار در اصطلاح «شوخین» (šowxin) می‌گویند. «شوخین» صورت گویشی «شیخون» است؛ چون بختیاری‌ها به «شب»، «شو» (šow) و به «خون»، «خین» (xin) می‌گویند و این نوع شعر در میان ایشان دارای قدمت و جایگاه خوبی است و حدوداً ۲۱ قطعه شعر سوگچکامه‌ای دارند (شهبازی، ۱۳۹۸: ۲۲۵).

این نوع شعر در میان بویراحمدی‌ها نیز – که طوایفی از قوم لر هستند و مشترکات نژادی، قومی، فرهنگی و تاریخی زیادی با بختیاری‌ها دارند – وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۱۵ قطعه شعر سوگچکامه‌ای در منطقه بویراحمد وجود دارد که قدیم‌ترین نمونه آن مربوط به دوره قاجار و جدیدترین نمونه مربوط به دوره پهلوی است.

از آنجا که این اشعار بیشتر در سطح وسیع و فراتر از یک استان بررسی نشده و در همان استان‌ها نیز معمولاً جمع‌آوری شده‌اند و تحلیل دقیقی درباره آن‌ها صورت نگرفته و به‌تبع آن، در منابع نوشته‌شده درباره زبان و ادب عامله ایران نیز آن‌گونه که باید و شاید به آن توجه نشده است، نگارنده بر آن شد تا در این مقاله برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در ادامه آورده می‌شود، این اشعار را در میان طوایف بویراحمدی بررسی کند:

- الف) معروف‌ترین سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی کدامند؟
ب) سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی از منظر شکل و ساختار چگونه‌اند؟
ج) سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی از منظر محتوایی، ادبی، موسیقایی و اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲. پیشینه تحقیق

درباره سوگ چکامه‌های بویراحمدی، نخستین پژوهش از منوچهر لعمه (۱۳۵۳: ۵۹، ۶۴ - ۶۵) است که به منزله سپاهی بهداشت در سال‌های ۱۳۴۴ - ۱۳۴۵ در مناطقی از بویراحمد خدمت می‌کرده و در مجموعه اشعار گردآوری شده به وسیله‌وی، سه بیت از اشعار سوگ چکامه‌ای دیده می‌شود. پس از وی، فردی که با تلاش بسیار، بخش عمده‌ای از سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی را ضبط و در قالب کاسته‌ایی منتشر کرد، شیخ علی مرادی (از طایفه شیخان گل‌بار) بود. تلاش شیخ علی مراد در این زمینه به گونه‌ای بود که می‌توان گفت تمام کسانی که بعد از وی به جمع‌آوری این گونه اشعار در منطقه بویراحمد همت گماشته‌اند، منبع اصلی ایشان، آثار وی بوده است (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۷ - ۸).

پس از انقلاب اولین جایی که می‌توان نشانی از بیت‌های (سوگ چکامه‌ها) بویراحمدی یافت، مجله «نامه نور» است که در ویژه‌نامه آن (۱۳۵۹) ابیاتی از سوگ چکامه «کی لهراسب» دیده می‌شود (مکی، ۱۳۵۹: ۱۴۶).

پس از آن، پژوهشگری که به طور جدی به جمع‌آوری این گونه اشعار در منطقه بویراحمد روی آورده یعقوب غفاری است که تقریباً بخش عمدت‌های از بیت‌های حماسی بویراحمدی را چاپ و منتشر کرده است (غفاری، ۱۳۶۲: ۱۰ - ۲۷).

پس از غفاری، افراد دیگری نیز بوده‌اند که هر کدام بخش یا قسمت عمدت‌های از سوگ‌چکامه‌های حماسی بویراحمدی را منتشر کرده‌اند. شاخص‌ترین این افراد عبارت‌اند از: قدرت‌الله اکبری در کتاب بویراحمد در گذرگاه تاریخ (۱۳۶۸: ۹، ۲۶، ۱۸، ۶۴، ۷۵، ۹۵)؛ عزیز کیاوند در کتاب حکومت، سیاست و عشایر (۱۳۶۸: ۶۵ - ۸۳)؛ جواد صفحی‌نژاد در کتاب عشایر مرکزی ایران (۱۳۶۸: ۶۰۸ - ۶۱۰)؛ نورمحمد مجیدی در کتاب علما و شاعران استان کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۷۸: ۶۲۵ - ۷۲۸)؛ کاووس تابان‌سیرت در کتاب دلاوران کوهستان (۱۳۸۰: ۲۳۰ - ۳۴۵، ۳۷۸ - ۳۷۹)؛ سید ساعد حسینی در کتاب شعر، موسیقی و ادبیات شفاهی (۱۳۸۱: ۱۱۹ - ۱۴۴)؛ حامد اکبری در کتاب رجال بویراحمد (۱۳۸۱: صفحات متعدد)؛ الله‌بخش آذربیوند در کتاب تحولات سیاسی و بویراحمد و جنگ گجستان (۱۳۸۴: ۲۸۸ - ۲۹۳، ۳۰۸ - ۴۰۱، ۴۲۴ - ۴۶۷) و سیمین طاهری در کتاب فرهنگ عامیانه مردم کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۸۴: صفحات متعدد)؛ اما کسی که در جمع‌آوری و استفاده تاریخی از این اشعار تلاش زیادی کرده، سیاهپور است که در پایان‌نامه خود با عنوان حودث تاریخی بویراحمد در دوره‌های قاجار و پهلوی و بازتاب آن در اشعار محلی، بیشتر این اشعار را با ملاحظات تاریخی و سیاسی بررسی کرده است (سیاهپور، ۱۳۹۲: صفحات مختلف).

با همه این تلاش‌ها، می‌توان گفت این اشعار در سطح ملی آن‌گونه که شایسته است، بررسی نشده‌اند و حسن ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸: ۱۴۳ - ۱۷۰) از - جمله محدود پژوهشگرانی هستند که در مقاله «گونه‌شناسی بومی‌سروده‌های ایران» به بخشی از این اشعار در قالب «ترانه‌های سوگ درباره قهرمانان ملی و منطقه‌ای» (از مناطق جنوب، فارس و شمال) اشاره کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت این اشعار در منطقه بویراحمد، با توجه به شاخص‌های نقد آثار ادبی عامه بررسی نشده‌اند و به‌دلیل آن ابعاد ادبی، محتوایی، موسیقایی و اجتماعی آن‌ها روشن نشده است.

۳. روش تحقیق

روش جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله، از نوع کتابخانه‌ای و روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. به این ترتیب که پس از گردآوری داده‌ها (بیت‌های بویراحمدی)، داده‌ها بر اساس سیر تاریخی مرتب و آن‌گاه از نظر شکل، ساختار، محتوا، موسیقی و... بررسی شده‌اند. داده‌ها عمدتاً از منابع چاپ شده نقل شده‌اند و در همه‌جا به مأخذ آن‌ها اشاره شده و در بخش‌هایی از مقاله، برای تشخیص صورت درست واژگان، از گویشوران بویراحمدی کمک گرفته شده است.

۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

همان‌طور که در مقدمه این مقاله گفته شد، این اشعار در میان مردم بویراحمد جایگاه ویژه‌ای دارند و از همین روی، بسیاری از علاقه‌مندان و پژوهشگران آن‌ها را در قالب کاست، کتاب و مقاله منتشر کرده‌اند؛ اما واقع امر این است که این‌گونه اشعار تاکنون با ملاک‌های بررسی آثار ادب عامه نقد نشده‌اند و به‌تبع آن، ارزش‌ها و ویژگی‌های ادبی و محتوایی آن‌ها کاویده نشده است و این مقاله در راستای این ضرورت و هدف نوشته و این ضرورت درباره این نوع شعر در سایر مناطق مختلف کشور نیز حسن می‌شود.

۴. بحث اصلی

۴ - ۱. بیت‌ها یا سوگچکامه‌های حماسی بویراحمدی

بویراحمد کنونی، یکی از شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد است. ساکنان این شهرستان از طوایف قوم لر هستند و به زبان لری سخن می‌گویند. مستوفی (۱۳۶۳: ۵۴۱) هفت‌صد سال پیش در تاریخ گزیده، ذیل طوایف لر بزرگ از «بختیاری» و «جاكی» نام برده است. بیشتر مورخان و محققان معتقدند که تمام ایلات ساکن در کهگیلویه و بویراحمد (بویراحمد، چرام، دشمن زیادی، نویی و لیراوی) از جاکی منشعب شده‌اند (فسایی، ۱۳۷۸: ۲؛ امان‌اللهی بهاروند، ۱۴۷۹: ۱۳۱).

از میان طوایف گوناگون قوم لر ساکن در استان کهگیلویه و بویراحمد، بویراحمدی‌ها دارای جمعیت و قدامت بیشتری هستند و دست‌کم از آغاز حکومت قاجار، سابقه حضور در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران را دارند (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۴ - ۱۷) و بر

همین اساس دارای زبان و ادب عامه قوی‌ای هم هستند. در میان این مردم، گونه‌ای از اشعار عامه وجود دارد که در توصیف دلیری‌ها و رشادت‌های دلاور مردان و بزرگان بویراحمدی‌اند. سرایندگان این اشعار مثل بیشتر اشعار عامه بیشتر نامعلوم‌اند؛ اما دلیل سروده شدن آن‌ها جنگ‌هایی است که قهرمانان و بزرگان بویراحمدی با دستگاه‌های حاکم و مخالفان خود کرده و در آن جنگ‌ها کشته شده‌اند. بنابراین، مضمون اصلی این اشعار، بیان دلیری‌ها و رشادت‌های پهلوانان و کلانتران بویراحمدی است. البته، چنان‌که گفته شد، در ضمن این اشعار از مرگ دلخراش این بزرگان نیز یاد می‌کنند.

بویراحمدی‌ها بیشتر به این اشعار «بیت» می‌گویند و برای اشعار عزا به صورت عام، واژه «شربه» (*šarbe*) را به کار می‌برند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۲۵). بنا بر پرسش‌های میدانی نگارنده، در منطقه بویراحمد، «شربه» به اشعاری گفته می‌شود که عمدتاً زنان در سوگ عزیزان از دست رفته می‌خوانند و بر همین اساس، «شربه» یک نام عام است برای تمام اشعار عزا و نمی‌توان آن را برای سوگ چگامه‌ها یا بیت‌های حماسی به کار برد که صرفاً برای دلاور مردان و کلانتران بویراحمدی سروده شده‌اند. البته، چون این‌گونه اشعار، قالبی هستند، این امکان وجود دارد که از آن‌ها در هنگام «شربه‌خوانی» نیز استفاده کنند (سیاهپور، مصاحبه، ۱۳۹۸/۴/۲۴).

درباره چگونگی به وجود آمدن این اشعار و قدیم‌ترین نمونه آن‌ها در منطقه بویراحمد، اختلاف نظر وجود دارد. سیاهپور با بررسی‌های دقیق نشان داده است که قدیم‌ترین نمونه این نوع شعر، مربوط است به سال‌های برافتادن زندیان و برآمدن قاجارها؛ یعنی وقتی که محمد‌طاهرخان با ایل نوبی جنگ کرد و در آن جنگ، اسب معروف محمدشفیع‌خان به دست محمد‌طاهرخان افتاد. از آن جنگ و سوگ چگامه سروده شده درباره آن، یک بیت باقی مانده است:

او خیانه بنگریت وا خوس و کارش اسب سد محسفی خان کوری سوارش
?u xoŷâne bengarit vâ xos- o- kâreš? /asb- e- sedmahšafixân, kuri sovâreš.
برگردان: خدا را بنگرید با کارهایش که کوری (محمد‌طاهرخان) که در سال ۱۲۱۷ یا ۱۲۱۸ هجری به دست صادق‌خان قاجار کور شد)، اسب سید محمدشفیع‌خان را تصاحب کرده است (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۹).

پس از این بیت، دنباله این نوع از اشعار را باید در عصر پهلوی دنبال کرد. در دوران حکومت پهلوی اول و دوم، بویراحمدی‌ها بازها با دستگاه حکومت درگیر شدند. در دوران رضاشاه، بویراحمدی دست کم پنج بار با نظامیان ارتش پهلوی به مبارزه برخاستند که معروف‌ترین مبارزه ایشان، نبرد «تامرادی» بود. در دوران محمدرضاشاه نیز، بویراحمدی‌ها چند بار به مقابله با حکومت برخاستند که بزرگ‌ترین مقابله ایشان، جنگ معروف «گُجستان» بود. بعد از این نبردها و جنگ‌ها بود که سرایندگانی ناشناس، اما علاقه‌مند به آرمان‌های قومی، ملی و مذهبی بر آن شدند تا رشدات‌های جوانان و دلاور مردان بویراحمدی را در قالب بیت‌ها یا سوگ چکامه‌هایی حماسی جاویدان کنند و به این ترتیب، سوگ چکامه‌های بویراحمدی به وجود آمدند؛ سوگ چکامه‌هایی که امروزه در مطالعات تاریخی و سیاسی هم از آن‌ها استفاده می‌کنند و البته، بهره‌ها و فواید ادبی و زبانی آن‌ها نیز بر کسی پوشیده نیست.

از منطقه بویراحمد و بر اساس درگیری‌های داخلی و جنگ‌های با حکومت، ۱۵ سوگ چکامه (مجموعه بیت) به دست آمده است. فهرست این سوگ چکامه‌ها بر اساس سیر تاریخی در ادامه آمده است:

- بیت محمد طاهر خان. از سال ۱۲۱۷ یا ۱۲۱۸ هجری، ۱ بیت (سیاهپور، ۱۳۹۲).^{۱۹}
- بیت‌های خدا کرم خان. از سال ۱۳۰۸ هجری، ۲ بیت (غفاری، ۱۳۷۸؛ ۱۴۹).
سیاهپور، ۱۳۹۲: ۲۳).
- بیت‌های میر مذکور و میر غارتی. از دوره رضاشاه، ۳ بیت (شهبازی، ۱۳۶۶؛ ۱۷۰).
حسینی، ۱۳۸۱: ۱۳۰).
- بیت‌های جنگجویان جنگ دره سرد (سرتیپ خان و شکرالله خان ضرغام‌پور)، ۱۱
بیت (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۳۶ – ۳۹).
- بیت‌های جنگجویان جنگ تامرادی (بین بویراحمدی‌ها و لشکر رضاشاه). سال ۱۳۰۹، ۲۳ بیت (همان، ۴۳ – ۵۰).
- بیت‌های میر غلام‌شاه قاسمی و میر مذکور. سال ۱۳۰۳، ۸ بیت (همان، ۵۲ – ۵۳).

- بیت‌های علی خان و ولی خان ایزدپناه، ۵ بیت (همان، ۵۸ - ۵۹).
- بیت‌های میرزا یادالله داورپناه از طرفداران عبدالله‌خان ضرغام‌پور در تسخیر قلعه تل خسرو. سال ۱۳۲۳ش، ۴ بیت (همان، ۸۰).
- بیت‌های میرزا یادالله. مقتول به سال ۱۳۲۵ هجری، ۵ بیت (همان، ۸۱).
- بیت‌های جنگجویان جنگ دشت روم، ۲ بیت (همان، ۸۱ - ۸۲).
- بیت‌های خسروخان بویراحمدی، مقتول به سال ۱۳۳۲ش، ۴ بیت (همان، ۸۵).
- بیت‌های جنگجویان جنگ گجستان (فروردين ۱۳۴۲ش) شامل بیت‌های عبدالله خان ضرغام‌پور، ۱۳ بیت (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۱۶ - ۱۲۰).
- بیت‌های ملا غلامحسین سیاهپور. ۱۵ بیت (همان، ۱۰۵ - ۱۰۹)، بیت‌های کردی انصاری، عبدالمحمد انصاری و محمدحسن انصاری و... ۱۰ بیت (همان، ۱۱۰ - ۱۱۳).
- بیت‌های ناصرخان طاهری، مقتول به سال ۱۳۴ش در ۵ بیت (همان، ۱۲ - ۲۳). البته، ۲۷ بیت شعر عامه با محتواهی غیر حماسی درباره حبیب‌الله‌خان شهبازی نیز وجود دارد که چون از نظر شکل و محتوا به شیوه‌های سوگ چکامه‌های معمول نیستند، از احصای آن در این مقاله خودداری شد.

۴ - ۲. ریخت‌شناسی بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های بویراحمدی

۴ - ۲ - ۱. داشتن طرح ویژه

بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی عمدهاً در قالب مثنوی‌های کوتاه سروده شده‌اند. تعداد ابیات آن‌ها بین ۱ تا ۲۵ بیت است. پی‌رنگ یا طرح این اشعار، خلاف سایر اشعار حماسی، پی‌رنگی ویژه است. به عبارت دیگر، در این اشعار با مقدمه‌چینی، اوج، فرود و... رو به رو نیستیم. سراینده، دانای کل است که کل ماجرا را می‌داند یا خود جزو یکی از افرادی بوده که در آن ماجرا شرکت داشته است. بنابراین، ماهرانه از میانه ماجرا شروع می‌کند و صحنه‌های برجسته جنگ را توصیف می‌کند. از بی‌وفایی‌ها و نامرادی‌ها پرده بر می‌دارد و گفت‌وگوهای قهرمانان با همسنگران و بازماندگانش را به شعر در می‌آورد و معمولاً با توصیف آخرین لحظات مرگ دلخراش قهرمان سوگ چکامه را به پایان می‌رساند. همه این بخش‌ها در کمال ایجاز و در یک یا دو بیت

بیان می‌شود. در سوگ چکامه کی لهراسب (فرمانده نبرد تامرادی)، سراینده، شعر را این‌گونه آغاز می‌کند:

جنگ گهرس دورگ مدین، کل کله‌قندی هیچ شیری مث لهراس نکرده جنگی
Jang gehres duragmadin, kel kaleqandi/ hi □ širi mes- e- lohrâs nakerde jangi.

برگردان: جنگ در منطقه دورگ مدین و حوالی قله کله‌قندی درگرفته است. هیچ شیری همچون لهراسب جنگ نکرده است.

ای سُنور شوخین زنه لهراس نهایه یه نالی بغل بور نه بُنگ بایه
Yo nail baqale bur na bong- e- bâye/ ?i sonnur- e- šowxinzane lohrâs nahâye.

برگردان: این ناله و شیهه اسب بور (اسب کی لهراسب) است و صدای باد نیست. خوب است بدانید که این سنت شبیخون زدن را کی لهراسب نهاده است.

کی لهراس سر کمر اردو من تنگ تا صد سال دال بخره جر سنگ منگ
Keylohrâs sare kamar ?ordu mene tang/ tâ sad sâl dâl bexare jarre sang-e-mang.

برگردان: کی لهراسب بر سر کوه است و اردو در میانه تنگ. او آنقدر از نظامیان دشمن کشته است که تا صد سال هم اگر عقاب‌ها از آن کشته‌ها بخورند، باز هم چیزی باقی می‌ماند.

بنابراین، طرح کلی این سوگ چکامه‌ها بر این شیوه است که سراینده با آگاهی‌های قبلی‌ای که دارد و به‌نظرش می‌رسد مخاطبانش هم دارند، صحنه‌های نبرد را موجز و در کمال اختصار توصیف می‌کند و در این توصیف، به برخی از کنش‌ها و گفت‌وگو اشاره می‌کند. البته، برخی از گفت‌وگو واقعاً صورت نگرفته و سراینده آن‌ها را آفریده است و این طرح ویژه در بیشتر سوگ چکامه‌های بویراحمدی دیده می‌شود. در سوگ چکامه غلامحسین سیاهپور (فرمانده جنگ گجستان) سراینده با این فرض که خوانندگان و شنوندگان از حوادث و گفت‌وگوها آگاهند، می‌گوید:

سیاپور من بهمئی جنگ شروکه پناهی ڦرائی بی خان ڏرو که
Siyâpur men bahme?i jange šoru ke/ panâhi qorâname bay xân duru ke.
برگردان: سیاهپور در منطقه بهمئی جنگ را شروع کرد. ملاولی پناهی بود که قسم های خودش را فراموش کرد و سبب قتل خان شد.

سیاپور بُنگ ایزنه آقای مُرایی تا تو بی توبه کنی و ای ره نیایی

Seyâpur bong ?izane ?âqây morâyi/ tâ to bay towbe koni ve ?i ra nayâyi.

برگردان: سیاپور فریاد می‌زند و می‌گوید: آقا مرادی! (فرمانده نظامی شاه) تا تو

باشی و دیگر از این راه نیایی.

هشت تا جت کار ایکنه من سر گجستون سیاپور گهت انصاری بی سیم بسون

Haš tâ jet kâr ?ikone men sar gojestun/ Seyâpur goht ansâri bisim-e- besson.

برگردان: هشت تا هواپیما در بالای تنگ گجستان به پرواز درآمده‌اند. سیاپور به

انصاری گفت: بی سیم چی را بزن و بی سیم را بگیر.

بنابراین، طرح و ساختار کلی بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های بویراحمدی یک طرح

ویژه و عمده‌ای قالبی است؛ چون پس از سرودن اولین سوگ چکامه‌های بویراحمدی،

سوگ چکامه‌های دیگر نیز بر همین شیوه سروده شده‌اند.

۴ - ۲. شخصیت‌پردازی

شعر حماسی چه کوتاه و چه بلند، شعری روایی است که ماجرایی را روایت می‌کند و روشن است که در این روایت، اشخاص و افرادی شرکت دارند که توصیف آن‌ها، در گرو توافق سراینده است. سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی نیز نوعی شعر روایی‌اند؛ یعنی در آن‌ها، شخصیت‌ها جزو ارکان اصلی‌اند. شخصیت‌ها در این سوگ چکامه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: (الف) شخصیت‌های بویراحمدی، به منزله قهرمانان اصلی این اشعار؛ (ب) فرماندهان نظامی دستگاه حاکم، به منزله ضدقهرمانان. شخصیت‌های بویراحمدی‌ای که در این اشعار با عنوان قهرمان معرفی شده‌اند، بیشتر افراد صاحب نفوذ، خوانین و کلانتران بویراحمدی‌اند؛ اشخاصی که بنا به دلایل گوناگون، نقش هدایت و رهبری عشاير بویراحمدی را بر عهده داشته و در جنگ‌های بویراحمد با دستگاه حاکم، فرمانده اصلی جنگ بوده‌اند و این موضوع در تمام سوگ چکامه‌های جنگ‌های فراقومی بویراحمدی صدق می‌کند؛ اما درباره سوگ چکامه‌های جنگ‌های قومی صدق نمی‌کند و چه بسا در این سوگ چکامه‌ها با افرادی از بویراحمد مواجه شویم که در بردهای مرتکب بی‌وفایی، نقض پیمان و قتل خویشاوندان خود شده‌اند و از این رو، در این سوگ چکامه‌ها با نفرت از آن‌ها یاد شده است. برای مثال، برادر

ناتنی خسروخان بویراحمدی که خسروخان را به قتل رساند (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۸۴) یا فرزندان خداکرم خان که او را کشتد، از این گونه‌اند (همان، ۲۳)؛ اما واقع امر این است که سوگ چکامه‌های حماسی و واقعی، عملدتاً درباره افرادی نظری کی لهراسب، ملا غلامحسین سیاهپور سروده شده‌اند؛ کی لهراسی که بهمن‌بیگی با اشاره به بیتی که آورده می‌شود، درباره او می‌گوید:

بیرمد یادم کنیت بیشتر سرتنگ
کی دیده بچه لری بی شاکنه جنگ

Beyramad yâdom konit bištar sar-e tang/ ki dide ba  e lori bay šâ kene
jang.

برگردان: بویراحمدی‌ها یادم کنید. بهویژه در تنگ تامرادی، چه کسی دیده است که
بچه لری با شاه بجنگد؟ (بهمن‌بیگی، ۱۳۸۹: ۳۴۷).

«پس از این نبرد بود که لهراسب به صورت یک اسطوره درآمد و بسیاری از مادران عشاير نامش را برای پسران خود برگرداند» (همان، ۳۴۴).

بنابراین، در این سوگ چکامه‌ها، شخصیت‌های اصلی، دلاور مردان و بزرگان بویراحمدند؛ آن‌هایی که تا پای جای در برابر دشمن ایستادند. افرادی نظری کی لهراسب که درباره او سروده‌اند:

کی لهراس چقه سفی، او می دم پیر همچه شیر جر اینکه بی توب شخص تیر

Key lohrâs  eqa sefi, ?umay dam-e- pir/ ham  e šir jar ?ikene bay tup-e-
 astir.

برگردان: کی لهراسب با پیراهن سفید به نزدیک پیر آمد. او با توب شخص تیر
همچون شیر می‌جنگد.

کی لهراس بنگ ایزنه اردو دو کوپه و کوشک تا اردکون و دین توب

Key lohrâs bong ?izane ?ordu do kupe/ ve kevešk tâ ?ardekun va dine tuppe.

برگردان: کی لهراسب بانگ می‌زند و می‌گوید: اردو دو دسته است و او از کوشک
تا اردکان به‌دنبال توب بوده است.

زین طلا، من زین طلا، رکاو کوتا بد کشنن کی لهراس خانی ورفنا

Zin telâ men zin telâ, rekav-e- kutâ/ ba?de koštan Keylohrâs xâni varoftâ.

برگردان: زین کی لهراسب و درون زینش از طلا بود و رکاب اسبیش کوتاه. بعد از

کشنن کی لهراسب دیگر خانی برافتاد. (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۴۳ – ۴۸).

البته، در ضمن این سوگچکامه‌ها، شخصیت‌های جبهه مقابل هم به زیبایی و عمدتاً طنزآمیز توصیف می‌شوند. بیشتر سرایندگان در این سوگچکامه‌ها به منظور تهییج عواطف و احساسات قومی، نظامیان پهلوی را به سخره می‌گیرند. در سوگچکامه میرغلامشاه قاسمی، نظامیان و دشمنان این گونه توصیف شده‌اند:

میرغلوم زر دار بلی چایی دم ایکه نظامی سر گرگری میث بز رم ایکه
Mirqulum zer dâr bali □âyi dam ?ike/ nezâmi sar korkori mes boz ram ?ike.
برگردان: میرغلام زیر درخت بلوط چایی درست می‌کند. در همین حال، نظامی پهلوی با آن کلاه مسخره‌اش مثل بز رم می‌کند و می‌ترسد.
وانگهی، در ضمن این شخصیت‌پردازی، خائنان محلی هم فراموش نشده‌اند و سرایندگان در این اشعار خیانت‌های آن‌ها را بر ملا کرده‌اند. در سوگچکامه ملا غلامحسین سیاهپور با اشاره به سوگنده‌ای دروغ ملاولی پناهی آمده است:
قرانل ملاولی خاطر جم کرد علی کرغلوملی بی کس زنم کرد
Qorânal mollâ vali xâterjamom kerd/ ali kor qulumali bikas zanom kerd.
برگردان: قسم‌های قرآنی که ملاولی خورد بود، مرا خاطر جم کرد و این علی پسر غلامعلی بود که مرا در تنها ی و بی‌کسی کشت (همان، ۱۱۶ - ۱۱۷).

۴ - ۲ - ۳. راوی و زاویه دید

سوگچکامه‌های بویراحمدی، همچون بیشتر اشعار حماسی، روایی‌اند. بنابراین، در آن‌ها، نوع روای و روایت قابل بررسی است. راوی در این سروده‌ها دانای کل است؛ زیرا یا خود از نزدیک شاهد ماجرا بوده و یا یک روایت کامل و مستند از آن ماجرا در دست داشته است و کار او در بهترین شکل ممکن، آن است که بتواند از آن صحنه‌ها یا روایات، سروده‌ای جاندار و مؤثر بیافریند به‌گونه‌ای که اصل روایت مخدوش نشود. اگرچه چون راوی در این سروده‌ها خود از مردم بویراحمد است و عشق و علاقه شدیدی به قهرمانان سرزمین خود دارد، نمی‌توان او را از شائبه طرفداری و جانب‌داری مبرا دانست.

نوع روایت در این سرودها، از نوع روایت‌های مستند و واقعی تاریخ مبارزات سیاسی - اجتماعی بویراحمدی‌هاست که در بیشتر منابع تاریخی ذکر شده‌اند. البته، نوع روایت در سوگچکامه‌ها با نوع روایت در منابع تاریخی، تفاوت دارد که آن هم مربوط به زبان و بیان ادب عامه است؛ اما هسته روایت با نمونه‌های تاریخی تفاوت چندانی ندارد و حتی در برخی از موارد از جمله ذکر دقیق زمان و مکان روی دادن حوادث، از نوع تاریخی دقیق‌تر هم هست؛ اما نکته دیگری که در بحث روایتگری در این اشعار مهم است، آن است که در این اشعار، با اینکه روایت درباره سوم شخص مفرد است؛ اما نقل به گونه‌ای است که خواننده یا شنونده احساس می‌کند حادثه هم‌اینک در جریان است و او یا روای می‌تواند با قهرمان صحبت کند. در بخشی از سوگچکامه جنگ دره‌سرد، راوی کی‌لهراسب را این‌گونه خطاب کرده است:

لهراس، بُو باتولی، دی اردشیری کی گهته و دره‌سرد پنج یک بگیری

Lohrâs bevu bâtuli, dayi ?ardeširi/ ki gohte va daresard panj yak begiri.

برگردن: ای لهراسب! که پدرت از طایفه باتولی بود و مادرت از اردشیری‌ها. چه

کسی به تو گفته است که باید از «دره سرد» پنج یک (مالیات) بگیری؟

میرغلوم بالا بلند جومه گرامی تنه دام و شاقاسم مکش نظامی

Mirqolum bâlâ boland, jume gerâmi/ tena dâm va šâqâsem makoš nezami.

برگردن: ای میرغلام! دارنده قد بلند و لباس برازنده، چه قدر تو را به شاه قاسم

سوگند دادم که نظامیان را نکش. (همان، ۵۳)

در این ایيات، شنونده یا خواننده با صحته ملموسی روبرو می‌شود؛ صحنه‌ای که در آن، راوی حضور دارد، با قهرمان سخن می‌گوید و او را از جنگ با دشمنان باز می‌دارد. این نوع روایت نمایشی (دراماتیک) را در بیت‌های علی‌خان و ولی‌خان ایزدپناه هم می‌بینیم. سراینده به جای استفاده از افعال ماضی از افعال مضارع استفاده می‌کند. تو گویی که جنگ هم‌اینک جریان دارد:

علی‌خان بزن بزن دهست نلرزه شیرزرد، بی‌خان‌قزی که‌له بسه

Alixân bezan bezan dahset nalarze/ šir-e- zard bixânqezi kahlale basse.

برگردن: علی‌خان! بزن، بزن و مراقب باش که دستت نلرزد. بی‌بی‌خان قزی همچون

شیری که‌له را محاصره کرده است.

یا در بیتی که در ادامه آورده می‌شود، گفت و گو به شکلی محسوس و عینی روایت شده تا حوادث بهتر مجسم شوند:

من سرم پیت ایکنه بالون جنگی خانقزی وَم برسون توربی فشنگی
Men sarom pit ?ikone bâlun-e- jangi/ xânqezi vam beresun turbey fešangi.
برگردان: هواپیمای جنگی بر بالای سرم می‌چرخند. خانقزی، توربی فشنگ را به من
برسان (همان، ۵۸ – ۵۹).

۴ - ۳. بررسی جنبه‌های زبانی و ادبی، موسیقایی، محتوایی و اجتماعی بیت‌های بویراحمدی

۴ - ۳ - ۱. جنبه‌های زبانی و ادبی

بیت‌ها یا سوگ‌ها چکامه‌های حماسی بویراحمدی روایی و نقلی‌اند. زبان و بیانی ساده دارند و مهم‌ترین خصلت زبانی آن‌ها، سادگی و روانی زبان و نزدیکی آن زبان، به زبان مردم است و از همین روی، بیشتر واژگان، ترکیبات و زبان‌زدهای این اشعار، برگرفته از زبان روزمره مردم بویراحمدند. البته، چون سرایندگان این اشعار، مردمانی کم‌سواد و یا حتی بی‌سواد بوده‌اند که به مقتضای عشق و علاقه خود به شعر گفتن روی آورده‌اند، در اشعار ایشان گاه اشکالات زبانی و ادبی دیده می‌شود؛ اما این اشکالات مانع از آن نمی‌شود که مردم به این اشعار توجه نکنند؛ بلکه بر عکس، چون این اشعار از ذهن و ضمیری ساده و بی‌آلایش تراویده‌اند و ترجمان عشق و ارادت مردم به قهرمانان قومی خود و آرمان‌های ایشان‌اند، بر دل‌ها می‌نشینند و مردم این اشعار را گرامی می‌دارند. به قول هدایت (۱۳۷۱: ۲۰۲): «لطف و گیرندگی طبیعی، صداقت در احساسات، سادگی تشیهات و طراوت شاعرانه در این اشعار، برای آن‌ها مقام جداگانه‌ای احراز می‌نمایند». در هر صورت، این اشعار از جهت ارزش‌های ادبی، جایگاه متمازی در میان آثار ادب عامه مردم این منطقه دارند و حتی الگو و قالب آن‌ها سبب شده است که امروزه برخی از شربه‌ها در استان کهگیلویه و بویراحمد به پیروی از طرح و الگوی این سوگ‌چکامه‌ها ساخته و خوانده شود و حتی از این بیت‌ها در هنگام شربه‌خوانی نیز استفاده کنند.

از منظر بلاغی، این اشعار فاقد آرایه‌های ادبی انتزاعی و پیچیده‌اند و در آن‌ها تشییه، استعاره و کنایه بیشترین بسامد را دارد. در تشبیهات و استعارات، غلبه با انواع محسوس و ملموس است. سرایندگان این سوگ چکامه‌ها متأثر از محیط کوهستانی خود، مشبه‌های را محسوس انتخاب کرده‌اند تا بهتر بتوانند حوادث صحنه‌های نبرد را عینی کنند. در سوگ چکامه ملا‌غلام‌حسین سیاهپور، مردمان جنگاور به «مارهای برهنه» و «گرگ‌های بی‌باک» مانند شده‌اند:

سیاپور بُنگ ایزنه مارل برنهنے اُفتینه مِن ستون چی گرگ گسنے

Siyâpur bong ?izane mâral berahne/ ?oftine mene sotun ī gorg-e- gosne.
برگردان: سیاهپور بانگ می‌زند و می‌گوید: این مارهای برنه (به استعاره جنگجویان عشایر) همچون گرگی گرسنه به ستون نظامیان پهلوی حمله کرده‌اند (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

در همین سوگ چکامه، شاعر ترک‌ها و شکاف‌های پاهای بلند غلام‌حسن محمدی (از عشایر بویراحمدی) را به گور زریر (یکی از فرماندهان نظامیان پهلوی) مانند کرده است:

شق پی غلومسن مزار زریره گورخونه‌ی برد بهمنی مال جلیله

Šaq pay qulumasan mazâr zarire/ gurxune bard bahme?i mâl-e- jalile.
برگردان: شکاف و ترک پای غلام‌حسن مزار زریر است و گورخانه سنگ بهمنی (غنائم به دست آمده) متعلق به طایفه جلیل است (همان، ۱۱۲).

و باز در همین سوگ چکامه، «مل نخَن او» (مهلت آب خوردن به آن‌ها ندهید) یک کنایه ملموس و حماسی است:

جنگ اومه من بهمنی سینه برافتو سیاپور گهت انصاری مل نخَن او

Jang ?uma men bahme?i, sine barafto/ siyâpurgahtansâri mal naxaran ?ow.
برگردان: جنگ به برآفتاب منطقه بهمنی رسیده است. سیاهپور به انصاری گفت: فرصت آب خوردن به آن‌ها ندهید (همان، ۱۰۹).

بنابراین، می‌توان گفت در بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های بویراحمدی، همانند بیشتر اشعار عامه، تشبیهات ملموس و ساده و برگرفته از محیط زندگی بیشترین فراوانی را دارند. در این سوگ چکامه‌ها بارها قهرمان به «شیر» مانند شده‌اند (برای دیدن نمونه‌ها

ر.ک: همان، ۴۳، ۴۶، ۵۹، ۴۷، ۸۰، ۸۵، ۶۰، ۱۲۱) و این تشیبه بی ارتباط به این موضوع نیست که در این منطقه نیز همچون مناطق بختیاری، «شیر» نماد شجاعت و دلاوری است و حتی از آن به صورت شیرسنگی (برد شیر) برای مزار جوانان و دلاوران استفاده می‌کنند. تشیبهای نیز چنانکه گفته شد، برگرفته از محیط زندگی است؛ مثلاً در بیتی که آورده می‌شود، مانند کردن پنجه‌های دست میرزا یادالله به «کلوس» (کرسی) که از گیاهان خوشبو و معطر این منطقه است، زیبایی تشیبه را دو چندان کرده است:

یدلا زلف محملی پنجه کلوسی بیرمد بات طرفه و که نخوسی

Yadelâ zolf maxmali, panje kelowsi/ beyramad bât tarafe va koh naxowsi.

برگردان: ای یدالله - دارنده موهای نرم و انگشتان زیبا - بدان که تمام بویراحمد با

تو طرف است، پس مواظب باش که در کوه خوابت نبرد (همان، ۸۱).

بعد از تشیبه و استعاره، کنایه بالاترین بسامد را دارد. بیشتر کنایات نیز محسوس و ملموس و عمده‌تاً کلیشه‌ای و تکراری‌اند. کنایاتی همچون «زَهْلَتْ تَرَه» (زهراهات نترکد، نترس)، گرگی کردن (به حمله و اداشتن)، لنگر انداختن، سینه برآفتاب (محل آفتاب زدن)، قد واژ کردن (دست از کار کشیدن)، لوشت زدن (یورش بردن)، تشنها در جایی (نابود کردن جایی)، گوش گروتن (شنیدن)، جوش زدن خون (عطش جنگ داشتن)، رم کردن (ترسیدن) و

از سایر ویژگی‌های ادبی این سوگچکامه‌ها، توصیفات ملموس و دقیق است. در این اشعار، توصیفات مؤجز و دقیق‌اند و در آن‌ها از ابهام زمان و مکان حماسه‌ها و اسطوره‌ها خبری نیست. در سوگچکامه جنگ دشت روم، سراینده که احتمالاً خود از نزدیک شاهد حوادث بوده است، با دقت در جزئیات مکان می‌گوید:

علی خان و رُگرد بُری اوی و راسی

Jar vâbi men tahledun, puze rivâsi/ alixân vorgard bezey ?umay varâsi.

برگردان: جنگ در تلخه‌دان، نزدیک تپه ریواسی (منطقه دشت روم) روی داده است.

پس علی خان، برگرد و بزن که به راستی جنگ آمده است (همان، ۸۱).

۴ - ۳ - ۲. جنبه‌های موسیقایی

بیت‌ها یا سوگچکامه‌های حماسی بویراحمدی همانند بیشتر اشعار عامه از نظر وزن و موسیقی با شعر رسمی تفاوت دارند. می‌دانیم که بیشتر اشعار و ترانه‌های عامه هجایی‌اند (ذوق‌الفاری، ۱۳۹۷: ۳۰۱). سوگچکامه‌های حماسی بویراحمدی نیز بیشتر هجایی‌اند؛ اما چون این اشعار، نخست در مراسم تشییع آن قهرمانان و بزرگان و معمولاً با موسیقی (ساز چپ و نی) خوانده شده‌اند، وزن را با کشدار کردن کلمات یا هجاهای حفظ کرده‌اند، به گونه‌ای که کسی کمبود وزن را احساس نمی‌کند. از مجموع ۱۵ سوگچکامه بویراحمدی، ۶ قطعه هجایی‌اند و ۹ قطعه دیگر را به زحمت می‌توان هجایی محسوب کرد. به عبارت دیگر، در آن‌ها با کشیدن برخی از کلمات و هجاهای می‌توان وزن را حفظ کرد. البته، باید گفت که چون این اشعار عمدتاً با ساز و آواز خوانده می‌شوند، کمبود وزن در آن‌ها احساس نمی‌شود. در بیتی که آورده می‌شود، از سوگچکامه کی لهاراسب، تعداد هجاهای (کمیت هجاهای) برابر است؛ اما کیفیت هجاهای برابر نیست و خواننده باید هجای دوم و پنجم مصراع دوم را طوری ادا کند تا کمبود وزن احساس نشود:

کچ لهراس زر دار بلی سویل تو دا پیرمَد تا کهگیلو قشن رو دا

Key lohrâs zer dâr bali sevile tow dâ/ beyramad tâ kohgilu qoşene row dâ

برگردان: کی لهراسب زیر درخت بلوط سپیل را تاب داد و از بویراحمد تا کهگیلویه

قشون را به حکت درآورد (ساهیور، ۱۳۹۲: ۵۰).

موارد دیگری از این نوع تکمیل وزن را در بیشتر سوگچکامه‌های بویراحمدی می‌توان دید (همان، ۸۰، ۸۱، ۸۵ و...). با این توضیح که خوانندگان ترانه‌های بویراحمدی بیشتر با آوردن کلماتی نظیر «وای»، «ای وای»، «آنخی»، «خدادا» و... معمولاً کمی‌بوده‌ای و زنی، این اشعار را جیزان می‌کنند.

در بحث موسیقی کناری یا قافیه، تمام بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های بویراحمدی مقفل هستند. البته، بهندرت اشکالاتی در حروف و کلمات قافیه دیده می‌شود؛ اما بیشتر سرایندگان سعی کرده‌اند، هماهنگی (حرفی یا آوایی) یک یا چند حرف از کلمات قافیه

را مراجعات کنند. در بیتی که آورده می‌شود، از سوگچکامه میرمذکور، شاعر «عباس» را با «تفاصل» قافیه کرده است:

مو سید شاقاسم کر میر عباس تش گرو ریشی دلم، بگر تفاصل

Mo seyed šâqâsemom kor mirabâsom/ taš gero riši delom, beger taqâsom.

برگردان: من از سادات شاهقاسم و پسر امیر عباس. ریشه دلم آتش گرفته است، پس

تفاصل مرا بگیر (همان، ۳۵).

در بیتی که آورده می‌شود، از سوگچکامه کی لهراسب نیز سراینده، صرفاً به هماهنگی واج‌های پایانی کلمات قافیه اکتفا کرده است:

کی لهراس اذن وَم بده مِن تنگ در آیم بروم تی رضاشا بخت سیت بیارُم

Key lohrâs ?ezn vam bede men tang darâyom/ berevom tey rezâšâ baxt sit
biyârom.

برگردان: کی لهراسب به من رخصت بده تا از تنگ تامرادی عبور کنم. قول می‌دهم که پیش رضاشاه بروم و برای تو امان‌نامه بیاورم (همان، ۴۵).

۴ - ۳ - ۳. جنبه‌های محتوایی

بیت‌ها یا سوگچکامه‌های حماسی بویراحمدی از منظر محتوایی، در درجه اول بازتاب‌دهنده سیاست‌های ستمگرانه حکومت پهلوی‌اند. رضاشاه برای ایجاد دولت مدرنی که در اندیشه داشت، با اجرای طرح‌هایی مثل یک‌جانشینی عشاير (تحت قاپو)، تغییر لباس و خدمت وظیفه (اجباری)، به سرکوب و حذف بزرگان عشاير از صحنه قدرت، سیاست و اجتماع روی آورد. عشاير جنوب و از جمله بویراحمدی‌ها در برابر این سیاست‌ها ایستادند و درنتیجه، درگیری‌های شدیدی بین مردم بویراحمد با حکومت پهلوی روی داد که بخش اعظمی از حوادث آن‌ها در قالب همین سوگچکامه‌ها حفظ شده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت، محتوای اصلی این سوگچکامه‌ها داستان برخورد خونین و خشن رضاشاه با توده‌های مردم و عشاير بویراحمدی است (کرونین، ۱۳۷۷: ۴۱۹ - ۴۲۱؛ داگلاس، ۱۳۷۷: ۱۷۰ - ۱۷۸؛ همبانی، ۱۳۷۲: ۳۰ - ۳۱).

در ضمن این اشعار، دلواری‌ها و رشادت‌های بزرگان، کلانتران و قهرمانان بویراحمدی به تصویر کشیده شده است، تا جایی که می‌توان گفت این اشعار حافظ

شجاعت‌ها و قهرمانی‌های شخصیت‌های مؤثر بویراحمدند و از همین رو، برانگیزاندۀ عواطف قومی و ملی‌اند. البته، محتوای برخی از سوگ چکامه‌های بویراحمدی، درگیری‌های قومی و خانوادگی است، مانند سوگ چکامه‌های محمدطاهرخان، خداکرمخان، جنگجویان جنگ دره‌سرد، عبدالله‌خان ضرغامپور و خسروخان بویراحمدی؛ اما آن سوگ چکامه‌هایی که تا به امروز ماندگار شده‌اند و در مراسم‌های مختلف بارها خوانده شده‌اند، اتفاقاً سوگ چکامه‌هایی هستند که انگیزه‌های جنگ و نبرد در آن‌ها فراتر از خانواده و طایفه است، مانند سوگ چکامه کی‌لهراسب در جنگ تامرادی و سوگ چکامه ملا‌غلام‌حسین سیاهپور در جنگ گجستان. در این دو جنگ، ارتش پهلوی با تمام قوا در برابر بویراحمدی‌ها ایستاد و بویراحمدی‌ها نیز مردانه در برابر او مقاومت کردند. بهمن‌بیگی درباره جنگ تامرادی می‌نویسد: «نبرد تنگ تامرادی یک نبرد نبود، یک حماسه بود. نه فقط حماسه بویراحمد، بلکه حماسه عشایر ایران بود» (بهمن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۲۹۲).

بنابراین، محتوای کلی و اصلی بیت‌ها یا سوگ چکامه‌های بویراحمدی، دلاوری‌های شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی بویراحمد است در مبارزه با دستگاه حاکم یا مخالفان خود. البته، در ضمن این اشعار، به برخی از مختصات جغرافیایی و اقلیمی هم اشاره شده است، همچنان که در برخی دیگر از اشعار عامه نیز این‌گونه است (ذوالقاری، ۱۳۹۷: ۲۹۲).

در سوگ چکامه ملا‌غلام‌حسین سیاهپور (فرمانده نبرد گجستان) سراینده با نام بردن از «بهمنی» و «تپه اوله» دقیقاً محل جغرافیایی وقوع جنگ گجستان را نشان می‌دهد: جَرِ وَابِيْ مِنْ بَهْمَئِيْ، دِينْ گَرِ اولِه سیاهپور جنگ ایکُنه می صوله‌دوله Jar vâbi men bame?i, dine gar- e- owle/ siyâpur jang ?ikone may soladowle.

برگردان: جنگ در منطقه بهمنی، پشت بلندی (تپه) آبله درگرفته است و سیاهپور همانند صولت‌الدوله می‌جنگد (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

وانگهی در این سوگ چکامه‌ها بخشی از محتوا را ویژگی‌های فردی قهرمانان، گفت‌وگوهای ایشان با سربازان خودی یا با نظامیان پهلوی تشکیل می‌دهد، با اشاره به

نوع و رنگ لباس ایشان. در سوگچکامه میرمذکور علاوه بر ذکر شجاعت وی، با اشاره به رنگ و نوع لباس او آمده است:

میرمذکور تنبون سفی جومه گرامی تا صد سال دال بخَرَه لاش نظامی

Mirmazkur tonbun sefi, jume gerâmi/ tâ sad sâl dâl bexare lâš- e- nezami.

برگردان: میرمذکور با تنبان سفید و پیراهن گرامی، تو آنقدر از نظامیان کشته‌ای که

تا صد سال هم اگر عقاب‌ها از آن کشته‌ها بخورند، باز هم چیزی باقی می‌ماند (همان، ۳۴).

در بخش محتوایی این نکته هم مهم است که چون این سوگچکامه‌ها عمدتاً قالبی هستند، گاهی یک مصراع یا مضمون در چند سوگچکامه تکرار می‌شود؛ مثلاً همین مضمون «تا صد سال دال بخوره لاش نظامی» در سوگچکامه جنگجویان جنگ درمه‌سرد (همان، ۳۶ – ۳۷) و تامرادی (همان، ۴۴ و ۴۹) هم تکرار شده است و حتی در سوگچکامه‌های بختیاری (شوخین‌ها) هم دیده می‌شود (آسمند، ۹۰: ۱۳۸۰).

بخش دیگری از محتوای این بیت‌ها را توصیفات مربوط به تجهیزات نظامیان پهلوی، ترس و گریز آن‌ها و آخرین وصایای قهرمانان به بازماندگان تشکیل می‌دهد. نقش زنان قهرمان نیز در این سوگچکامه‌ها پررنگ است. در سوگچکامه‌های میرغلام‌شاه قاسمی، علی‌خان ایزدپناه، میرزايد الله داورپناه و ناصرخان طاهری، زنان به نوعی همراه قهرمان‌اند. در سوگچکامه علی‌خان ایزدپناه، «خان‌قزی» به ماشین حمله می‌کند و قله‌ها را می‌بندد و فشنگ‌ها را به قهرمانان می‌رساند:

علی‌خان و ولی‌خان دو شیر ناشی لاسشون بی خان‌قزی، زی من ماشی

Alihxân- o- valhxân, do šir- e- nâši/ lâsešun bi xânqezi, zey mene mâši

برگردان: علی‌خان و ولی‌خان دو شیر شجاعاند (ناشی) که ماده آن‌ها (لاس)

خان‌قزی است که به ماشین حمله کرد.

علی‌خان بزن بزن دست نلرزه شیر زرد بی خان‌قزی که‌لله بسته

Alihxân bezan bezan, dasset nalarze/ šir- e- zard bi xânqezi kehlale basse.

برگردان: علی‌خان! بزن، بزن مبادا دستت بلرزد. بین که خان‌قزی همچون شیری

قله‌ها را گرفته است.

مِن سِرُّم پیت ایکنه بالون جنگی خان‌قزی وَم بِرِسون توربه فِشنگی

Men sarompit ?ikonebâlun- e- jangi/ xânqezi vam beresun turbey fešangi.
برگردان: بالای سرم هواپیماهای جنگی دور می‌زنند. خانقزی توربه (کوله‌باری) از
فشنگ را به من برسان (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۵۸ - ۶۰).

۴ - ۳ - ۴. جنبه‌های اجتماعی

با اینکه از مرگ و شهادت بسیاری از قهرمانان سوگ چکامه‌های حماسی بویراحمدی بیش از پنجاه سال می‌گذرد، هنوز هم به مناسبت‌های مختلف، به‌گونه‌ای که به جرئت می‌توان گفت این قهرمانان، این اشعار خوانده و تکرار می‌شوند، به‌گونه‌ای که به جرئت می‌توان گفت این اشعار، جزو محبوب‌ترین اشعار عامه بویراحمدی‌اند و امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل هم‌گرایی و اتحاد این مردم به‌شمار می‌آیند و این مهم‌ترین بُعد یا کارکرد اجتماعی این سوگ چکامه‌های است. البته، در برخی از این سوگ چکامه‌ها، به پاره‌ای از مسائل فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی هم اشاره شده؛ اما بیشتر مردم و جوانان بویراحمد این اشعار را از آن روی دوست دارند که آن‌ها را بازتاب‌دهنده بخشی از تاریخ مبارزات قومی خود می‌دانند (همان، صفحات متعدد) و با آن‌ها احساس غرور و سربلندی می‌کنند. در محافلی که این اشعار با صدای خوانندگان اشعار بویراحمدی خوانده می‌شوند، شور و شوق جوانان بویراحمدی توصیف‌ناشدنی است و این کارکرد اجتماعی که نوعی هویت‌بخشی را به‌دبیال دارد، در کمتر نمونه‌ای از اشعار عامه به این شدت قابل مشاهده است. بنابراین، با نگاه جامعه‌شناسی به این اشعار می‌توان گفت طوایف گوناگون بویراحمد هرگز زیر بار زور نرفته‌اند، خلق و خوی حماسی و دلاوری داشته‌اند و در برابر سیاست‌های مستبدانه حکومت پهلوی تا پای جان ایستاده‌اند.

۵. نتیجه

سوگ چکامه عنوانی است که در این مقاله بر گونه‌ای از اشعار عامه بویراحمدی (بیت‌ها) گفته شده است که به‌وسیله سرایندگانی ناشناس، پس از کشته شدن قهرمانان و بزرگان بویراحمدی در جنگ با دستگاه حاکم و مخالفان، سروده شده‌اند. در این مقاله، این نوع شعر نقد و بررسی شده و مشخص شده است که ۱۵ قطعه شعر

سوگ‌چکامه‌ای در منطقه بویراحمد وجود دارد که قدیم‌ترین نمونه آن مربوط به دوره قاجار و جدیدترین نمونه، مربوط به دوره پهلوی است. در این مقاله، سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی از منظر شکل، ساختار، جنبه‌های ادبی، زبانی، موسیقایی، محتوایی و اجتماعی نیز بررسی شده‌اند و معلوم شده که این اشعار دارای طرحی ساده، روایی و بدون مقدمه‌چینی، اوج و فروندن. توصیف شخصیت‌ها و صحنه‌های نبرد در آن‌ها قوی است. راوی دانای کل است و زاویه دید سوم شخص مفرد و روایت از نوع واقعی و مستند. از منظر زبانی، سوگ‌چکامه‌ها، ساده و روان‌اند؛ به زبان لری بویراحمدی سروده شده‌اند. از نظر ادبی، فاقد آرایه‌های ادبی پیچیده و انتزاعی‌اند و در آن‌ها، تشبیهات، استعارات و کنایات محسوس و ساده بیشترین بسامد را دارند. در ۱۱۴ بیت شعر سوگ‌چکامه‌ای بویراحمدی، ۱۱ تشبیه، ۱۰ کنایه و ۸ استعاره دیده می‌شود که از این تعداد، در ۸ تشبیه، مشبه^ب به «شیر» است. از نظر موسیقی، سوگ‌چکامه‌های بویراحمدی، هجایی‌اند و کمبود وزن با کشدار کردن کلمات جبران می‌شود. از نظر محتوایی، مضمون اصلی بیت‌های بویراحمدی، بیان رشدات‌ها و دلاوری‌های قهرمانان و بزرگان بویراحمدی است در مبارزه با دشمنان و دستگاه حاکم. البته، در این اشعار، مضامینی همچون فراوانی کشته‌های دشمن و خوردن کرکس‌ها از آن کشته‌ها، فراوانی تجهیزات دشمن، ترس نظامیان حکومت و خوارداشت آن‌ها، بزرگ شمردن قهرمانان ایل و بیان آخرين وصایای قهرمانان نیز وجود دارد. از نظر کارکرد اجتماعی هم این اشعار، امروزه به منزله عامل هم‌گرایی و وحدت طوایف گوناگون بویراحمدی به شمار می‌آیند و در آن‌ها به پاره‌ای از مسائل اجتماعی بویراحمد در طول حکومت‌های قاجار و پهلوی اشاره شده است.

منابع

- آذرپیوند، الله بخش (۱۳۸۴). تحولات سیاسی کشور و جنگ گجستان، یاسوج: چویل.
- آسمند، علی (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات در قوم بختیاری. اصفهان: شهسواری.
- اکبری، قدرت‌الله (۱۳۶۸). بویراحمد در گنرگاه تاریخ. شیراز: چاپخانه مصطفوی.
- اکبری، حامد (۱۳۸۱). رجال بویراحمد. یاسوج: فاطمیه.

بیت یا سوگ چکامه‌های حماسی بوراحمدی اصغر شهبازی

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴). *قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران*. تهران: آگاه.
- بهمن‌بیگی، محمد (۱۳۸۹). *بخارای من ایل من*. شیراز: نوید.
- — (۱۳۷۳). *گزارشی از نبرد تامرادی (تاریخ معاصر ایران، کتاب ششم)*. تهران: مؤسسه مطالعات بنیاد مستضعفان.
- تابان سیرت، کاووس (۱۳۸۰). *دلاوران کوهستان*. دلیران تنگ تامرادی. قم: طبیین.
- حسینی، ساعد (۱۳۸۱). *بخشی از شعر، موسیقی و ادبیات شفاهی استان کهگیلویه و بویراحمد*. یاسوج: فاطمیه.
- داگлас، ویلیام (۱۳۷۷). *سرزمین شگفت‌انگیز و مردمی مهریان و دوست‌داشتنی*. ترجمه فریدون سنجر. تهران: گوتنبرگ.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷). *زبان و ادبیات عامه ایران*. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی سروده‌های ایران». *ادب پژوهی*. ش ۷ و ۸ صص ۱۴۳ – ۱۷۰.
- سیاهپور، کشوار (۱۳۹۲). *حوادث تاریخی بویراحمد در دوره‌های قاجار و پهلوی و بازتاب آن در اشعار شاعران محلی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ. به راهنمایی عبدالرسول خیراندیش. دانشگاه شیراز.
- شهبازی، اصغر (۱۳۹۸). «نقد توصیفی و ساختاری سوگ چکامه‌های حماسی بختیاری (شوخین‌ها)؛ گونه‌ای از اشعار عامه». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۷. ش ۲۸. صص ۲۱۹ – ۲۴۲.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۶۶). *ایل ناشناخته*. تهران: نی.
- صفائیزاد، جواد (۱۳۸۱). *تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران*. ج ۲. تهران: آتیه.
- طاهری، سیمین (۱۳۸۴). *فرهنگ عامیانه مردم کهگیلویه و بویراحمد*. تهران: ساورز.
- غفاری، یعقوب (۱۳۷۸). *تاریخ اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد*. اصفهان: گل‌ها.
- — (۱۳۶۲). *نمونه‌ای از اشعار محلی مردم کهگیلویه و بویراحمد و شرح کوتاهی از زندگی کی‌لهراس*. یاسوج: چاپخانه امیر.
- فسایی، حاج میرزاحسن (۱۳۷۸). *فارس‌نامه ناصری*. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

- کرونین، استفانی (۱۳۷۷). ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران. ترجمه علی بابایی. تهران: خجسته.
- کیاوند، عزیز (۱۳۶۸). حکومت، سیاست و عشاير از قاجاریه تاکنون. تهران: عشايري.
- لمعه، منوچهر (۱۳۵۳). فرهنگ عاميانه عشاير بويراحمدی و كهگيلويه. تهران: اشرفی.
- مجیدی، نورمحمد (۱۳۷۸). علما و شاعران كهگيلويه و بويراحمد. تهران: به آفرین.
- مستوفی، حمداده (۱۲۶۳). تاریخ گزیده. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوابی. تهران: امیرکبیر.
- مکی، حسین (۱۳۵۹). نامه نور، ویژه‌نامه هنر و فرهنگ ایل بویراحمدی. ش ۱۰ و ۱۱.
- هدایت، صادق (۱۳۷۱). فرهنگ عامه مردم ایران. تهران: چشممه.
- همبلي، گاوین (۱۳۷۲). خودکامگی پهلوی، رضاشاه. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریچ. ترجمه مخبر. تهران: طرح نو.
- سیاهپور، کشوار (۱۳۹۸). مصاحبه. تاریخ ۲۴ / ۴. ۱۳۹۸ / ۴ / ۲۴.

The Boyerahmadi Epic Verses or Threnodies

Asghar Shahbazi¹*

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran

Received: 24/07/2019

Accepted: 21/12/2019

Abstract

The epic threnodies or šowxins are popular poems that are composed by unknown poets after the death of one of the heroes or elders of the Lori tribe in the fight against the ruling regime, and have long been read by the people and singers of Lori poems. Bakhtiari and Boyerahmadi tribes have many racial, linguistic, cultural and historical affinities, and threnodies have a high place among them; therefore, in this paper, in order to study the various dimensions of these poems and to find out the phenomenon of the transmission of popular poems, they are compared according to the method of content analysis (comparative approach). It is briefly stated that Bakhtiari and Boyerahmadi threnodies have the same and common elements of epic poetry (heroic, national, ethnic, and narrative forms), themes, verses and hemistiches, description, and literary characteristics, but the language of Boyerahmadi threnodies is rougher than that of Bakhtiari's and it has a kind of controversy with the unexampled creator. In this paper, the most important linguistic, literary, cultural and historical values of these threnodies are discussed. Also, the analysis can be regarded as a model for study of this kind of popular poetry in different parts of Iran.

Keywords: popular poetry; verse (threnodies); Boyerahmad; form; content.

*Corresponding Author's E-mail: asgharshahbazi88@gmail.com

